

## مسجد شیخی‌ها بنایی ناشناخته در شهرستان کهن یزد

**اسدالله جودکی عزیزی**

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره‌ی اسلامی دانشگاه مازندران  
as1977joodakiazizi@gmail.com

**سیدرسول موسوی حاجی**

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

**اشکان شهبازی**

دانشجوی کارشناسی‌ارشد معماری دانشگاه تهران

**اسحاق رضازاده**

عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۱۵  
(از ص ۱۹۵ تا ۲۰۶)

### چکیده

در محور تاریخی و بافت کهن شهر یزد، آثاری وجود دارند که کم‌تر شناخته شده است. پاره‌ای، باوجود ثبت در فهرست آثار ملی، مطالعه‌ی درخور و شایسته‌ای در رابطه با آن‌ها صورت نگرفته است. یکی از این آثار، مسجدی است که پیش‌تر با نام‌های «خانی‌ها» و «آقایی‌ها» معروف بوده و هم‌اینک، نام آن «شیخی‌ها» است. این اثر، در محله‌ی «وقت و ساعت» واقع شده است؛ باوجود این‌که، شهر یزد توسط معماران و پژوهشگران مهمی بازدید شده و گاه مورد مطالعه قرار گرفته، مسجد شیخی‌ها ناشناخته مانده است. ساختار بسته و درون‌گرای این اثر که به استفاده از آن، توسط اقلیت مذهبی «شیخیه» مربوط می‌شود، باعث شده که از گذرهای کناری هیچ‌گونه ارتباط بصری با مسجد نتوان برقرار کرد و به نظر می‌رسد، دلیل اصلی ناشناخته ماندن آن در مطالعات معماری همین نکته است. معرفی و مطالعه‌ی این مسجد، بی‌تردید در شناخت و معرفی معماری اصیل ایرانی سودمند خواهد بود. دغدغه‌ی تحقیق پیش‌رو، دستیابی به تاریخ تحقیقی ساخت مسجد است. در پژوهش حاضر که براساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی است؛ اطلاعات مورد نیاز به دو شیوه‌ی میدانی و اسنادی جمع‌آوری گردیده و با تلفیق و تطبیق آن‌ها با یکدیگر و بهره‌گیری از «هیافت تاریخی» مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته‌اند. برآیند این تحقیق، زمان ساخت مسجد شیخی‌ها را به سده‌های سوم و چهارم هـ.ق. نسبت می‌دهد که در دوره‌های بعد، به‌ویژه صفویه، پوشش آن بازسازی گسترده‌ای شده است. در دوره‌ی زندیه یا قاجاریه، با الحاق یک نه‌گنبد درون‌گرا به‌عنوان شبستان زمستانی، به بیشترین حد توسعه خود رسیده است. ویژگی‌های معماری شبستان تابستانه مسجد، آن‌را در رده‌ی مساجد ساده شبستانی سده‌های نخستین طبقه‌بندی می‌کند.

**کلیدواژه‌گان:** معماری دوران اولیه اسلامی، مسجد سده‌های اولیه، بافت تاریخی یزد، مسجد شیخی‌ها.

## مقدمه

بافت تاریخی شهرهای ایرانی با ماهیت ارزشمند اصیل و کهن، آثار معماری پرشماری را در دل خود جای داده‌اند. بررسی و مطالعه دقیق این بافت‌ها، غیر از به‌دست دادن اطلاعات مفیدی از نحوه شهرسازی، متضمن اطلاعات ارزنده‌ای از آثار معماری است که در شناخت شیوه‌ی معماری برخی از دوره‌ها که آثار کمی از آن برجای مانده، سودمند است. بافت کهن شهر یزد نیز از این چهارچوب به دور نیست. در قلب این بافت و در مرز دو محله‌ی موسوم به «وقت و ساعت» و «بازارنو»، مسجدی است که اندام ساده و موقر آن، نشان از دیرینگی ساخت آن نسبت به تاریخی است که در پرونده‌ی ثبتی این اثر پیشنهاد شده است (صفوی). این مسجد، پیش‌تر با نام‌های «خانی‌ها» و «آقائی‌ها» معروف بوده است و تولیت نهایی آن بر عهده‌ی یکی از مریدان فرقه شیخیه بوده، به همین سبب، به «مسجد شیخی‌ها» معروف شده است (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۶). مسجد با همین نام و به شماره‌ی ۲۴۰۱ با پیشنهاد قدمت صفویه، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این مسجد، یکی از بناهای تاریخی شهر است که جز آمدوشد کارشناسان اداره‌ی کل میراث فرهنگی در سرکشی و گاه حفاظت اضطراری، کسی به درون آن راه ندارد و از جمله بناهای متروک بافت کهن به‌شمار می‌رود. تردیدی نیست که مطالعه و بررسی دقیق کالبد این بنا، یکی از آثار معماری کهن ایران را به‌طور شایسته‌ای معرفی می‌کند و در شناخت بهتر مساجد سده‌های نخستین که در جغرافیای کنونی ایران آثار کمی از آن‌ها برجای مانده، موثر واقع می‌شود. آن‌چه در این پژوهش آمده است، بر شرحی از ویژگی‌های ساختاری بنا تأکید می‌کند و در عین حال، عناصر معماری و پلان آن با نمونه‌های هم‌سان مقایسه شده است؛ در ادامه، به خشت‌های مسجد اشاره شده و با تأکید بر متغیر اندازه، با نمونه‌های نزدیک به آن در دیگر بناها مقایسه شده است. گاهنگاری مسجد، یکی از مهم‌ترین بخش‌های بدنه‌ی این تحقیق است و با تکیه بر هم‌سانی پاره‌ای از شاخصه‌های معماری با دیگر بناهای شناخته شده، سعی کرده تاریخ دقیق‌تری برای آن پیشنهاد دهد.

## پیشینه پژوهش

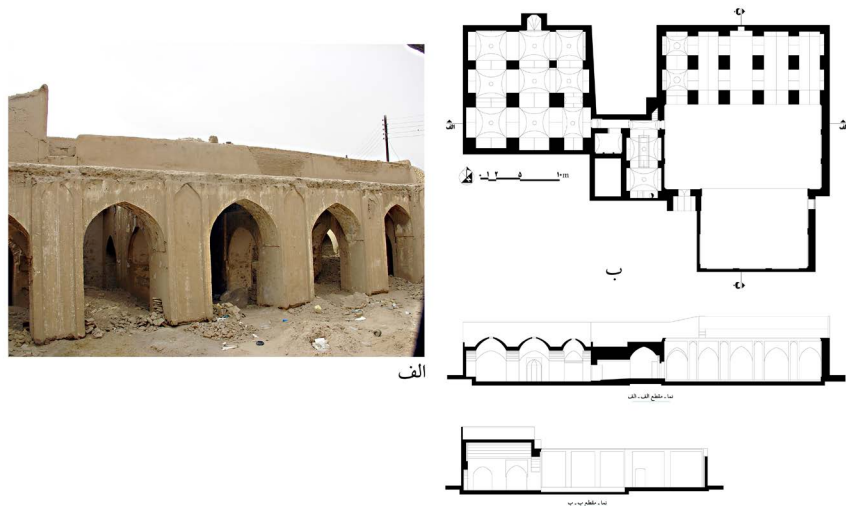
باوجود ثبت این اثر، هرگز مطالعه‌ی درخوری که شناخت کافی از تاریخ و الگوی ساخت آن به‌دست دهد، ارائه نشده است. با وجودی که چند متن کهن به تاریخ محلی یزد پرداخته و گاه از نحوه‌ی توسعه شهر، آثار معماری و بانیان آن گزارش‌های معتبری ارائه کرده‌اند، به این مسجد اشاره‌ای نشده است. در آثار پژوهشگران و متخصصان تاریخ هنر و معماری نیز، نشانی از این مسجد دیده نمی‌شود؛ حتی محقق برجسته‌ای چون ایرج افشار (۱۳۷۴) که شرح قانع‌کننده‌ای از شهر و آثار تاریخی آن به‌دست داده، به این مسجد اشاره‌ای نکرده است. در آثار پژوهشگرانی چون: پیرنیا (۱۳۹۲)، آ. پوپ (۱۳۸۸) و آندره گدار (۱۳۶۵) که از شهر تاریخی یزد و برخی از آثار آن گزارش‌هایی موجود است، اشاره‌ای به این مسجد دیده نمی‌شود. تنها کسی که شرح مختصری از این بنا ارائه داد، خادم‌زاده است. در اثر وی، تصاویر بنا و نقشه‌های آن تهیه شده است؛ به تولیت مسجد، توسط یکی از مریدان فرقه شیخیه اشاره شده و نام‌گذاری آن‌را، به‌همین دلیل دانسته است. تفاوت فاحش بین

سبک معماری بخش اصلی با شبستان و نوع قوس‌ها را قابل توجه دانسته و آن را نشانه‌ی اختلاف زیاد قدمت آن‌ها با هم ضبط کرده است (خادم‌زاده: ۲۱۶ و ۲۱۷). در جایی دیگر، این بنا را قدیمی‌ترین مسجد شارستان شهر یزد معرفی کرده و آن را در رده‌ی مساجد شبستانی برشمرده است؛ وی، معماری آن را هم‌سان با جامع فهرج دانسته است (www.mardomsalari.com)؛ بنابراین، پیشینه‌ی پژوهشی قابل توجه‌ای برای این مسجد وجود ندارد و در واقع، ضرورت تحقیق در این باره غیر از معرفی آن، امکانی است که با بررسی و پژوهش سبک معماری این اثر، به شناخت معماری مذهبی در سده‌های نخستین نیز، کمک می‌کند.

### پرسش‌های تحقیق

نوشتار پیش‌رو، با بررسی‌های میدانی و اسنادی به گردآوری داده‌ها دست یازیده و با تطبیق نتایج هر کدام، به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته است و با طرح یک پرسش اساسی، مسجد شیخی‌ها را مورد مطالعه قرار داده است:

– مسجد شیخی‌ها در چه زمانی ساخته شده است؟



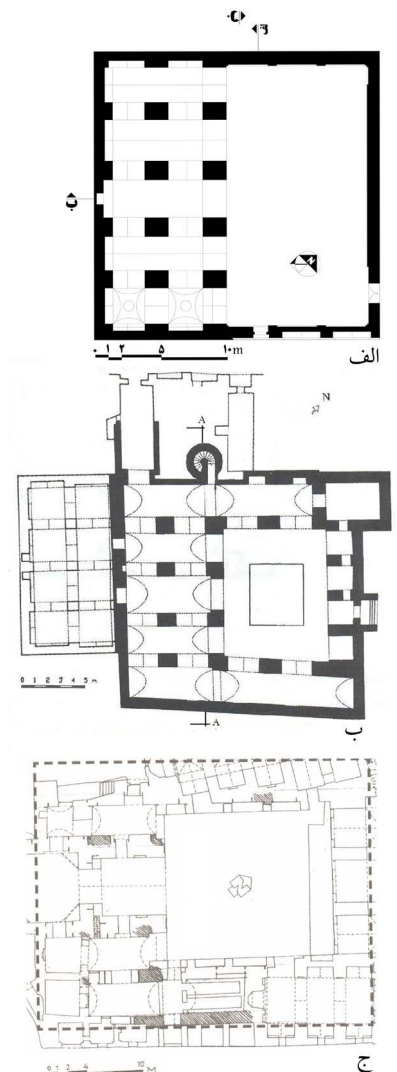
► شکل ۱: الف. نمایی از شبستان تابستانه‌ی مسجد شیخی‌ها (نگارندگان، ۱۳۸۵)؛ ب. پلان و مقاطع مسجد (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

### موقعیت و ویژگی‌های ساختاری مسجد

مسجد شیخی‌ها، در محله‌ی «وقت و ساعت» واقع شده و با خط مستقیم در فاصله‌ی ۱۷۰ متری شمال شرق مسجد جامع یزد قرار دارد. از طریق یک محور اصلی و چند گذر فرعی، این دو مسجد با هم ارتباط پیدا می‌کنند. طرح کلی مسجد، شبستانی و از دو بخش تابستانه و زمستانه تشکیل شده است (شکل ۱-ب). تنها اثر برجای مانده از ورودی تاریخی مسجد، درگاه مسدود شده‌ای در جبهه شمالی است که خود از ساختاری اصیل برخوردار نیست و مربوط به دوره‌های متأخر استفاده از مسجد است. ورودی کنونی مسجد در جبهه شرقی واقع شده و با چفدی تیزه‌دار، تنها راه دسترسی به بنا از گذر مجاور است. این بخش نیز، به همراه حصار جبهه‌ی شرقی و بخشی از جبهه‌ی شمالی، از الحاقات دوره‌های اخیر به‌شمار می‌رود. تنه‌ی اصلی مسجد را، دو مربع تشکیل می‌دهد که در عرض هم قرار گرفته‌اند. یکی شبستان تابستانی و میانسرای آن و دیگری شبستان زمستانی است. بخش اول مسجد،

مربعی به درازا و پهنای ۲۱/۵ متر است (شکل ۲-الف). در شرق میانسرا، مستطیل روبازی به درازا و پهنای ۲۱/۵ و ۱۰/۵ متر قرار دارد؛ اگرچه، هم‌اینک به‌صورت بخشی از میانسرای مسجد در آمده، چندان با تنه‌ی اصلی سازگار نیست و به توسعه حصار محیطی در سده‌ی اخیر مربوط است. آن‌چه در طرح بخش تابستانه بیشتر جلوه می‌کند، شکل مربع آن است. طراح، این مربع را دو نیم کرده است. نیمه‌ی غربی که جبهه‌ی سمت قبله‌ی طرح کلی نیز به‌شمار می‌رود، محل شبستانی ستون‌دار و نیمه‌ی شرقی را میانسرای مسجد قرار داده است. این بخش از مسجد، شبستانی ستون‌دار با پنج دهانه در دو دهانه است. این سبک و طرح، از الگوی معماری برخی از مساجد سده‌های نخستین یزد، چون جوامع فهرج و میند پیروی می‌کند (شکل ۲). درازا و پهنای این شبستان، به ترتیب ۲۰/۵ و ۱۰/۵ متر است. این اندازه نیز، با کمی اختلاف و کوچک‌تر در نمونه‌ی فهرج استفاده شده است. هشت پیلپا و هم اندازه، پوشش تاقدگان آهنگ دهانه‌ها را تحمل می‌کنند و از این نظر نیز، با نمونه‌ی فهرج هم‌سان است. پوشش این بخش از مسجد، بر سیاقی است که شبستان‌های پیش از اسلام و سده‌های نخستین دوره‌ی اسلامی بر آن پایبند بوده‌اند. در این زمان، استفاده از پوشش‌های دوار در یک بنا، به‌صورت متعدد رواج گسترده‌ای نیافته و استفاده از آن منحصر به مساجد نه‌گنبدی است. معماران ایرانی، از سبک شبستان‌های پیش از اسلام پیروی کرده و عموماً مساجد را در اندازه‌ای نسبتاً کوچک و در چند دهانه با پوشش تاقدگان ساخته‌اند. جامع فهرج، بخش‌های عتیق جامع یزد، تاریخانه دامغان، بخش‌های عتیق جامع میند و شبستان تابستانه مسجد مورد مطالعه، بر این قاعده هستند.

پوشش دهانه‌ی بیرونی شرقی این شبستان در سده‌های اخیر تغییر کرده و به دو تاق «کلمبو» تغییر یافته است. این تغییرات با پوشش دیگر دهانه‌های شبستان ناهم‌خوان است و بازسازی آن‌را آشکارا تأیید می‌کند. خشت‌های این قسمت، در بخش‌های پایینی جرزها ۳۲×۳۲ سانتی‌متر است (شکل ۳-ب). این اندازه با حداقل اختلاف در بسیاری از بناهای سده‌های نخستین اسلامی گزارش شده است. تاریخانه دامغان از سده‌ی دوم ه.ق.، جامع فهرج، قلعه رموک در شهداد و مسجد ملک در کرمان متعلق به سده‌ی سوم ه.ق. (Anisi 2007) و هسته‌ی اولیه‌ی جامع میند، سده‌ی سوم ه.ق. (نیکزاد، ۱۳۸۵)، با خشت‌هایی نزدیک به این اندازه ساخته شده است. در تاق‌های این شبستان، از خشت‌هایی به اندازه‌ی ۲۳×۲۳×۶ سانتی‌متر استفاده شده است. این موضوع، به روشنی بازسازی پوشش‌ها را در دوره‌های بعد نشان می‌دهد. معمار در بازسازی تاقدگان به نوع آن، یعنی «آهنگ»، امانت‌دار بوده، ولی چفد آن را به‌روز رسانی کرده است؛ از نوع «مازه‌دار» و «خاگی» که جامع فهرج هنوز به آن پایبند است، عدول کرده و نوع «تیزه‌دار» برای آن اختیار کرده است. این موضوع، در شرقی‌ترین دهانه، هم در ساختار رخ داده و هم در اجرای تاق. تغییر پوشش از تاق‌آهنگ به دو تاق کلمبو، متأثر از این موضوع است. به‌روز رسانی در بازسازی تمامی چفدها رعایت شده و همگی تیزه‌دار شده‌اند؛ اگرچه، هم‌اینک نیز می‌توان در سوی شرقی «میانوار»، تا اندازه‌ای چهره‌ی اصیل یکی از چفدها را دید و نزدیکی اجرای آن‌را با نمونه‌های فهرج دریافت (شکل ۳-الف). مورد اخیر، اگرچه نمایی تیزه‌دار پیدا کرده، اما هنوز اسلوب اجرای یک چفد «هلوچین کند» را دارد.



▲ شکل ۲: الف. پلان شبستان تابستانه مسجد (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷)؛ ب. پلان مسجد جامع فهرج، سده‌ی سوم ه.ق. (Anisi, 2007: Fig. 3.1)؛ ج. پلان هسته‌ی اولیه‌ی مسجد جامع میند، سده‌ی سوم ه.ق. (نیکزاد، ۱۳۸۵: ۱۱۸).



الف



ب



ج

▲ شکل ۳: الف. چفد یکی از دهانه‌های شبستان تابستانه؛ ب. نحوه‌ی خشت‌چینی در بخش پایینی یکی از ستون‌ها، شبستان تابستانه؛ ج. نقش گل، کنده شده در یکی از اندودهای شبستان تابستانه (نگارندگان، ۱۳۸۵).

در بررسی یکی از ستون‌های این شبستان، آثار ستونکی شناسایی شد که نمونه آن پیش‌تر در جامع فهرج و میبد متعلق به سده سوم هـ.ق. (نیکزاد، ۱۳۸۵: ۱۱۹)، مسجد کوشک فردوس (سده‌ی ۴ هـ.ق.) و مسجد ابن طولون (۶۵-۲۶۳ هـ.ق.) و حکیم (۴۰۳-۳۸۰ هـ.ق.) در قاهره گزارش شده است (انیسی، ۱۳۸۹: ۱۷). در هسته‌های نخستین جامع ابرقو نیز، این ستونک‌ها شناسایی شده است (نیکزاد، ۱۳۸۵: ۱۲۵). در جامع فهرج، به دلیل حفظ اندام اصیل، هم‌اینک نیز در نمای بیرونی دیده می‌شود؛ ولی در نمونه‌ی شیخی‌ها، میبد و ابرقو این عناصر تزئینی-کاربردی در زیر اندود گچ و لایه‌های دوره‌های بعد پوشیده شده است (شکل ۴). پیلک‌ها، غیر از برآوردن خواسته‌های آرایشی، بخشی از تنه اصلی جرز به‌شمار رفته و در انتقال نیروها به شالوده نیز، کاربری یافته است. به عقیده‌ی انیسی، این جزئیات پیشرفته‌ی اجرایی، این نوع ستون‌ها را از ستون‌های ساده‌ی مساجد سده‌های اول و دوم هـ.ق. متمایز می‌سازد (انیسی، ۱۳۸۹: ۱۷).

در بررسی ویژگی‌های معماری این مسجد، موضوعی قابل توجه دریافت می‌شود و آن این‌که به‌نظر می‌رسد در یک افق تاریخی، مساجد سده‌های نخستین ناحیه‌ی یزد هم از الگوهای واحدی در طراحی شبستان پیروی می‌کند و هم در عناصر معماری و تزئینی. غیر از حاکم بودن فرهنگ معماری واحد، فاصله‌ی جغرافیای نزدیک این آثار نسبت به هم باعث شده که در کلیات طرح و هم در جزئیات از اشتراکات قابل توجهی برخوردار شوند؛ به‌گونه‌ای که شبستان پنج در دو دهانه، اندازه تقریباً برابر خشت‌ها و ستونک‌های نمای جرزها، سه مسجد فهرج، میبد و شیخی‌ها را چنان به هم نزدیک می‌کند که بیننده، طراح و معمار واحدی برای آن‌ها تصور کند.

بر روی یکی از اندودهای شبستان تابستانی، تزئیناتی به‌صورت کنده دیده می‌شود. مهم‌ترین آن، نقش گل (شکل ۳-ج)، پنجه دست و تعدادی نقش پرند است که به‌صورتی ابتدایی با خراشیدن اندود اجرا شده است.

شبستان زمستانی و تابستانی، به‌وسیله‌ی یک راهرو نسبتاً طولانی به درازای ۹/۴ متر با هم ارتباط دارند (شکل ۱-ب). در سمت شرقی راهرو، تأسیساتی دیده می‌شود. حوض و آبریزگاه، شاخص‌ترین این تأسیسات هستند. اندازه‌ی خشت‌ها و سطح کیفی پائین آن‌ها، قابل مقایسه با خشت تاق‌های شبستان زمستانه است و به نظر می‌رسد از الحاقات جدید مسجد است.

شبستان زمستانی، مربعی به درازا و پهنا ۱۴/۵ متر است. محراب، در تورفتگی قابل اعتنایی، جبهه قبلی را از دیگر سمت‌ها برجسته ساخته است. طرح کلی این شبستان، «نُه‌گنبدی» درون‌گرا است (شکل ۵). کف آن، بیست سانتی‌متر از شبستان تابستانه پایین‌تر است. این اختلاف سطح نسبت به کف راهرو، به چهل سانتی‌متر نیز رسیده است. طراح و معمار، به رسمی شناخته شده، فضای مربع را به نُه بخش تقسیم کرده است و در چهار گوشه‌ی مربع میانی، ستون‌هایی در نظر گرفته و به‌این ترتیب، نُه‌گنبد درون‌گرایی برآورده است. در این شبستان، دو ستون غربی در دوره‌های بعد کوچک‌تر شده‌اند؛ حتی تغییرات، شکل چهارگوش ستون شمال‌غرب را به نمایی هشت پهلو تغییر داده است. پوشش یکی از دهانه‌ها، سالم و هشت‌های دیگر فرو ریخته یا بخشی از آن برجای مانده است (شکل ۶-الف). آسمانه‌ها، تاق کلمبو



است و ساختار بسته‌ی طرح، معمار را به گشایش رأس تاق به قاعده‌ی «هورنو»، برای تأمین نور مجبور ساخته است. خشت‌چینی تاق‌ها به صورت «چپله» است (شکل ۶-ب). به این ترتیب که در زاویه دید از پایین و بالا سطح خشت دیده می‌شود. اندازه خشت‌ها ۲۲×۲۲×۵ و ۲۱×۲۱×۵ سانتی‌متر و از نظر کیفی در سطح نازلی تولید شده است. تراکم پایین و دانه‌بندی درشت، به گونه‌ای که در تصویر ۶-ب دیده می‌شود، آسیب‌پذیری تاق را به همراه داشته است. مقاومت پایین این نوع تاق‌ها و به‌ویژه مصالح نامرغوب پوشش این شبستان، به ریزش بخش‌های زیادی از آن انجامیده است؛ اگرچه، این شیوه‌ی اجرای مصالح، پیش‌تر در پوشش یکی از درگاه‌های مجموعه‌ی سلطانیه شناسایی شده است (زمرشیدی، ۱۳۸۹: ۵۳)؛ با توجه به اندازه خشت‌های به‌کار رفته که به‌طور معمول در معماری سده‌های اخیر یزد، چون «خانه لاری‌ها»، «خانه رسولیان» و «مجموعه عرب‌ها» (همگی متعلق به دوره‌ی قاجاری)، استفاده شده و کیفیت پایین مصالح، نمی‌توان قدمتی بیش از سه قرن اخیر برای این بخش از مسجد در نظر گرفت. این نوع تاق‌ها (اجرای چپله)، به علت ضخامت کم، مقاومت کمی در برابر بارهای وارد بر خود دارند و فقط در دهانه‌های بسیار کوچک قابل اجراست؛ با این حال، در دو سده‌ی اخیر، در قم و کاشان، پوشش دهانه‌های بزرگ نیز به همین شیوه اجرا شده است، با این تصور که تاق نازک‌تر می‌شود و سبک‌تر است؛ ولی این تاق‌ها به زودی فرو می‌ریزند و بسیار خطرناک‌اند. اگرچه برای استحکام بیشتر، این نوع آجرچینی را در چند لایه روی هم انجام می‌دهند و اصطلاحاً به آن «پالانه کردن» می‌گویند و به‌طور نسبی از اجرای یک لایه‌ای آن مقاوم‌تر است؛ مع‌الوصف، در درگاه‌ها و دهانه‌های کم کاربرد دارد (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۵۷)؛ چون در این شیوه، مهار خشت در مرحله‌ی اجرا به مراتب سخت‌تر از روش‌های دیگر است. بن‌آیان به‌جای ملات گل، ملغمه‌ای از گچ و خاکستر که از ویژگی انعقاد سریع و استحکام نسبی برخوردار است، استفاده کرده‌اند (شکل ۶-ب). به‌تناوب فاصله بین هر چهار رج خشت، دو رج از خشت‌های تاق به صورت «ضربی» اجرا شده است. اجرای شبیه به این تاق، در پوشش برخی از فضاهای مجموعه‌ی ارگ بم نیز، دیده می‌شود. تجربه عموم استادکاران مجموعه، بر غیر مقاوم بودن این نوع تاق‌ها اتفاق نظر دارد و ضربی‌های فواصل چند رج چپله را عامل افزایش مقاومت تاق می‌دانند؛ ولی این اندیشه هم، در استحکام تاقگان شبستان زمستانه مسجد شیخی‌ها مؤثر نبوده و مانع ریزش آن نشده است. در این شبستان، تویزه گچی تاق‌ها، با نی مسلح شده و الگوی اجرای تمامی چفدها از این استاندارد پیروی می‌کند (شکل ۶-ب). محراب مقعر شبستان زمستانی، از سبکی پیروی می‌کند که پیشینیان مساجد نه‌گنبدی، همانند مسجد «بوفطاطه» در سوسه تونس و «مشهد شریف طباطبا» در قاهره، بدان پایبند بوده‌اند؛ این موضوع را، می‌توان در اقتضات این الگو تفسیر کرد و نه در افق تاریخی برابر. در این شیوه، «مقصوره» جایگاهی ندارد و به‌نظر می‌رسد این رسمی است که در تمام مساجد با الگوی نه‌گنبدی معمول بوده است. تو رفتگی بیش از حد محراب تا حدی این نیاز را برآورده است و معماران این دسته از بناها، الزامی در پیش‌بینی مقصوره نداشته‌اند.

الگوی نه‌گنبدی شبستان زمستانه، از سده‌ی دوم تا چهارم هـ.ق. در ساخت برخی از



الف

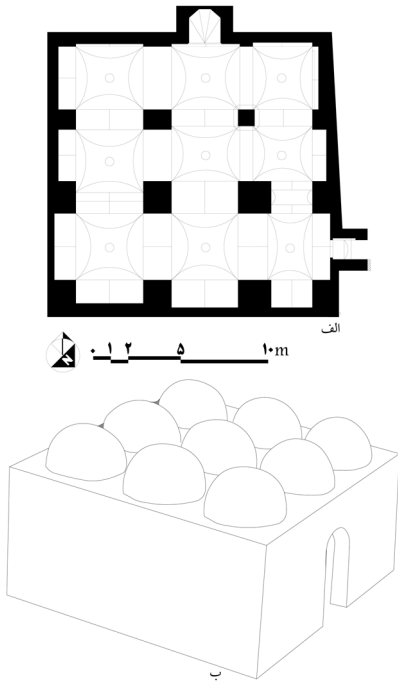


ب



ج

▲ شکل ۴: الف. ستونک تزئینی در گوشه‌ی یکی از ستون‌های شبستان تابستانه‌ی مسجد شیخی‌ها؛ ب. نمای یکی از ستون‌های جامع فهرج (نگارندگان، ۱۳۸۵)؛ ج. آثار ستونک تزئینی در گوشه‌ی یکی از ستون‌های مسجد جامع میند (نیکزاد، ۱۳۸۵: ۱۲۴)؛ شکل ۵۲: د. ستونک تزئینی در یکی از ستون‌های مسجد کوشک فردوس در خراسان رضوی، سده‌ی چهارم هـ.ق. (Anisi, 2007: Pl. 12.5).



▲ شکل ۵: الف. پلان شبستان زمستانه با الگوی نه‌گنبد (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷)؛ ب. نمای سه‌بعدی یک نه‌گنبد (نگارندگان، ۱۳۹۳).

بناهای مذهبی سراسر قلمرو اسلامی معمول بوده است. نخستین آن در «نه‌گنبد» یا «حاجی پیاده» در بلخ، مربوط به سده‌ی دوم هـ.ق. شکل گرفته و پس از آن در مسجد «ملک» کرمان، متعلق به سده‌ی سوم هـ.ق.، مسجد «چهارستون» در ترمذ، «مسجد دیگگران» در هزاره، تعدادی مسجد و آرامگاه در ماوراءالنهر، مسجد «محمدبن خیرون» در قیروان، مسجد بوفطاطه در سوسه تونس، مسجد «باب مردم» در تولدو، همگی متعلق به سده‌ی چهارم هـ.ق. و مقبره‌ی «شریف طباطبا»، متعلق به دوره‌ی فاطمی و حدود سال ۳۳۴ هـ.ق.، مسجد جامع اردبیل از دوره سلجوقی، «مسجد علی» در قهرود، متعلق به دوره ایلخانی و «مسجد چورس» در خوی از دوره صفویه، نمونه‌های آن است. در پژوهش خادم‌زاده نیز، بدون اشاره به الگوی نه‌گنبدی، تعداد قابل توجهی از مساجد با این شیوه، در شهر یزد معرفی شده است (خادم‌زاده، ۱۳۸۴). دسته‌ای از آن هیأت مجردی دارد؛ «مسجد سلطان شیخداد»، سده‌ی نهم هـ.ق.، «مسجد صاحب الزمان» از دوره قاجاری، «مسجد ساباط»، سده‌ی دهم هـ.ق.، از نمونه‌های آن است. پاره‌ای دیگر، همانند نمونه‌ی شیخی‌ها، با مجموعه‌ای از فضاها ترکیب یافته است. «مسجد سرپلک»، سده‌ی هشتم هـ.ق.، «مسجد چهارکوجه» متعلق به دوره ایلخانی، «مسجد تل یا الرحمان»، «مسجد خضرشاه»، «مسجد کسنویه یا امام حسین»، هرسه متعلق به سده‌ی نهم هـ.ق.، «مسجد شاه عبدالقیوم»، متعلق به دوره صفویه، «مسجد ارگ قلعه»، «مسجد پشت باغ»، «مسجد سهل بن علی»، «مسجد کوچک خطیب»، «مسجد کوشکنو» و «مسجد نو مال میر» که همگی از بناهای دوره قاجار به‌شمار می‌روند، از نمونه‌های قابل توجه مورد اخیر هستند. استفاده از این الگو، محدود به دوره اسلامی نیست، بلکه در معماری ایرانی پیش از آن نیز، سابقه داشته است؛ به‌گونه‌ای که بیش از بیست مورد آن بر روی صفه‌ی تخت جمشید ساخته شده است. در تالارهای چهارستونی و کوچک که از دوره اورارتو تا پایان دوره ساسانی، نمونه‌های زیادی از آن دیده می‌شود؛ براین سیاق، مربع به نه قسمت تقسیم شده است. تنها تفاوت آن در نوع پوشش این فضاها است که تا پیش از رواج انواع دَوَّار، با تیرهای افقی پوشانده شده است. دامنه‌ی استفاده از آن، محدود به کارکرد مشخصی نیست و در انواع مذهبی و غیرمذهبی نمونه‌های زیادی از آن شناسایی شده است. پس از اسلام، به‌واسطه معمول شدن بیش از پیش پوشش‌های دَوَّار، به‌ویژه تاق کلمبو، امکانی فراهم شد تا طراحان، تالارهای چهارستونی را با نه‌گنبد بپوشانند. این موضوع، به‌نظر می‌رسد با تعابیر نه‌گانه‌ای که از آسمان‌ها در کیهان‌شناسی سنتی و هیأت قدیم مطرح بود، موافق افتاد و واژگانی، چون: «نه‌گنبد»، «نه‌طارم»، «نه‌طاق»، «نه‌رواق»، «نه‌حجره» و...، در آرای عرفانی و دیوان شعرا به استعاره‌ای از طبقات نه‌گانه آسمان تبدیل شد؛ همان‌طور که گفته شد، این الگو منحصر به بناهای مذهبی نیست، بلکه به‌واسطه‌ی نوع کارکرد و شرایط اقلیمی با دامنه‌ی زمانی و مکانی پراکنده‌ای در انواع معماری رواج یافته است. کاروانسراها و قلعه‌های کوهستانی، نوعاً ساختار مناسبی برای شکل‌گیری این الگو است و تعداد قابل توجهی از آن، بر این سیاق ساخته شده است؛ اگرچه رواج تاق کلمبو در سده‌های نخستین، ابتدا به ساکن عامل شکل‌گیری نه‌گنبدها شد، این نوع تاق در فن ساختمان نیز در جایگاه عامل نیارشی بهینه، بسیار مؤثر افتاد؛ به‌گونه‌ای که معماران به تجربه دریافتند، به آسانی



الف

ب

می‌توان با کم‌ترین دغدغه تعدادی بیش از نه عدد آن‌را در یک طرح و در کنار هم آرایش داد. به‌این واسطه، شبستان‌های بزرگ با پوشش دوار، جای شبستان‌های نسبتاً کوچک با دهانه‌های تاق‌آهنگ را گرفت.

▲ شکل ۶: الف. نمایی از شبستان زمستانه؛ ب. نحوه‌ی خشت‌چینی تاق‌ها در شبستان زمستانه (نگارندگان، ۱۳۸۵).

### دوره‌ی تاریخی ساخت

شواهد معماری و باستان‌شناسی این مسجد، به‌ویژه اندازه، پلان و الگوی یک‌سان شبستان تابستانه با مساجدی، چون جامع فهرج و میبد، برابری خشت‌های سطوح پایین ستون‌ها با بناهای سده‌های دوم تا چهارم هـ.ق. و هم‌سانی ستونک‌های نمای ستون‌های این شبستان با نمونه‌های جامع فهرج، میبد و مسجد کوشک فردوس در ایران و مساجد ابن‌طولون و حکیم در قاهره، این بنا را در گونه‌ی مساجد سده‌های نخستین طبقه‌بندی می‌کند.

طرح شبستانی و ساده‌ی این مسجد، برخلاف جامع یزد و میبد که در دوره‌های بعد دچار تغییرات ساختاری شده‌اند، اصیل مانده است. تاقگان آهنگ دهانه‌ها، در دوره‌های بعد بازسازی شده و مهم‌ترین آن به‌نظر می‌رسد در دوره‌ی صفوی رخ داده است. وجود کتیبه‌ای به تاریخ ۹۷۵ هـ.ق. منقور در یکی از اندودها، شاید به این بازسازی‌ها مربوط بوده است (شکل ۷-الف). پوشش‌ها، بازسازی کاملی شده است؛ چراکه هیچ‌گونه تناسبی در اندازه خشت‌های پایینی جرزها و پوشش دهانه‌ها نمی‌توان یافت. این موضوع، زمانی بهتر پذیرفته می‌شود که متوجه گزارش «مستوفی بافقی»، از بارش سنگین برفی در سال ۱۰۵۷ هـ.ق. شویم؛ بسیاری از محلات، خانه‌ها و بازارهای شهر در اثر آن ویران شده است.<sup>۵</sup> (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱۳۳، ج ۱). به‌نظر می‌رسد، بازسازی گسترده مسجد در اثر این اتفاق صورت گرفته است. بر روی این اندود با خط ثلث عبارت «یاعلی» در چند جا نقر شده است (شکل ۷-ب). این مضمون، به‌خوبی وجود حکومت شیعی صفوی را تضمین می‌کند. نگارندگان، اجرای یک‌سان این کتیبه را در مسجد جامع نائین نیز، دیده‌اند و این موضوعات آشکارا به اعلام مذهب رسمی کشور و فراگیری آن دلالت دارد. بر روی این اندود، غیر از کتیبه، چند نقش دیگر به‌صورت گل، پرنده و پنجه‌ی دست





الف



ب

▲ شکل ۷: الف. کتیبه‌ای به تاریخ ۹۷۵ هـ.ق.، کنده شده در یکی از اندودهای شبستان تابستانه؛ ب. کتیبه‌ای با عبارت «یا علی» به خط ثلث در شبستان تابستانه، به خوبی در زیر لایه‌ی اندود رویی دیده می‌شود (نگارندگان، ۱۳۸۵).

دیده می‌شود و با توجه به کتیبه‌ی سال ۹۷۵ هـ.ق.، به نظر می‌رسد همگی متعلق به دوره‌ی صفویه است. در دوره‌های بعد بر روی این لایه، اندود گچ دیگری اجرا شده که کتیبه‌ها یا نقوش احتمالی دیگر را از نظر پنهان کرده است؛ آنچه قابل شناسایی است و به آن‌ها اشاره شد، در اثر ریزش لایه‌ی رویین است. در کتیبه، عبارت «یا علی»، وضع به گونه‌ای دیگر است؛ عمق بیشتر کتیبه، باعث شده که لایه گچ دوره‌ی بعد، از ضخامت بیشتری برخوردار شود و به نمایش کتیبه، حتی در زیر لایه رویی منجر شده است (شکل ۷-ب). این نشان می‌دهد که مسجد در دوره‌ی صفوی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و در حفظ و نگهداری آن کوشش شده است. دست‌کم در لایه اندود و کتیبه‌های آن و بازسازی پوشش دهانه‌ها، این موضوع دریافت می‌شود.

بهترین شاهد در گاهنگاری شبستان زمستانه، اندازه ۲۲×۲۲×۵ و ۲۱×۲۱×۵ سانتی‌متری خشت‌ها و نحوه‌ی خشت‌چینی تاق‌های باقی‌مانده است. این اندازه، به‌طور معمول، در معماری دو-سه سده‌ی اخیر یزد استفاده شده است؛ خانه‌ی لاری‌ها، خانه‌ی رسولیان و مجموعه‌ی عرب‌ها، نمونه‌های معروفی هستند که خشت‌هایی با این اندازه دارند. اجرای چپله یا لاپوش خشت‌های این شبستان نیز، اگرچه پیش‌تر در مجموعه سلطانیه استفاده شده، با خشت‌هایی با اندازه‌های پیش‌گفته در پاره‌ای از آثار معماری شهر یزد در دوره زندیه و قاجاریه مورد استفاده قرار گرفته است؛ بنابراین احتمالاً نه‌گنبد شبستان زمستانی در دوره زندیه یا پس از آن به مسجد کهن الحاق شده است.

با این تفاسیر، شبستان تابستانی مسجد شیخی‌ها، دارای ویژگی‌هایی است که معماری آن‌را، در گونه‌ی مساجد ساده و شبستانی سده‌های نخستین طبقه‌بندی می‌کند. استفاده پیوسته از آن به الحاقات و گاه تغییراتی در عناصر معماری، به‌ویژه در سده‌های متأخر، منجر شده است؛ همانند بسیاری از مساجد سده‌های نخستین، هسته‌ی اولیه‌ی آن در پلان ساده و برخی از عناصر معماری اصیل بازخوانی می‌شود.

## نتیجه‌گیری

مسجد شیخی‌ها، از جمله نمونه‌های کوچک این دسته از بناهای مذهبی است. اندازه کوچک و موقعیت مهجور آن، باعث گمنامی این اثر ارزشمند در مطالعات معماری شهر شده است. استفاده از آن توسط فرقه‌ی شیخیه، ساختار بسته و درون‌گرایی به این اثر بخشیده؛ به‌گونه‌ای که از گذرهای مجاور نمی‌توان هیچ‌گونه ارتباط بصری با آن برقرار کرد و شاید ناشناخته ماندن مسجد به این موضوع نیز مرتبط باشد. شبستان تابستانه، دیر زمانی، مسجدی واحد به‌شمار رفته است. نشانه‌های مهمی از تعهد آن به سبک مساجد سده‌های اولیه دیده می‌شود و طرح ساده و ویژگی‌های معماری این شبستان، به‌طور ویژه، آن را به جامع فهرج و میبد نزدیک می‌کند. استفاده از مسجد در سده‌های متأخر، غیر از بازسازی پوشش‌ها، به نوسازی بیشتر عناصر معماری نیز انجامیده است. استفاده از آن، با توسعه و الحاق شبستانی زمستانی، با الگوی نه‌گنبدی و زایده‌ای در شرق میانسرا، در سده‌های اخیر منجر شده است.

این اثر، یکی از مساجد اولیه‌ی شهر است که بعدها با توسعه و رونق گرفتن شهر و درعین حال، ساخته شدن مساجد بزرگ دیگر، به‌عنوان یک مسجد کوچک و محله‌ای به حیات خود ادامه داده است؛ باوجود گمنامی این اثر، تا دوره صفویه و پس از آن، هم‌چنان مورد استفاده قرار گرفته است. در دوره‌ی صفوی، پوشش تاقدگان آن، بازسازی شده و در دوره‌ی زندیه یا قاجاریه، با الحاق شبستان زمستانی، به بیشترین حد توسعه‌ی خود رسیده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱- پیش از اسلام، استفاده از پوشش‌های دوار، منحصر به گنبد بوده است. تبدیل مقطعی مربع به دایره، در این زمان همواره با پیچیدگی «چپیره‌سازی» همراه بوده است. معماران جز با گوشه‌سازی در دو نوع «فیلپوش» و «سکنج» به این مهم دست نمی‌یافتند و اجرای آن در اندازه‌های محدود میسر شده است. به‌نظر می‌رسد، به‌همین دلیل است که اگر کاخ اردشیر را در فیروزآباد مستثنی کنیم، جز یک یا دو مورد از آن، در بنایی استفاده نشده است؛ چون معماران این دوره به فنون اجرای تاق کلمبو آشنا نبودند و شبستان‌ها را با تاق آهنگ می‌پوشاندند. در سده‌های نخستین اسلامی نیز، اگرچه در برخی از گونه‌های نه‌گنبدی مساجد، استفاده از تعداد زیاد پوشش دوار رواج یافته، پاره‌ای از بناها، به‌ویژه برخی از مساجد، همانند: تاریخانه دامغان، جامع فهرج، بخش‌های عتیق جامع یزد، جامع میبد، نایین، اصفهان و شبستان تابستانه مسجد شیخی‌ها، به سیاق پوشش‌های دوره‌ی ساسانی با تاق آهنگ پوشیده شده‌اند.

۲- چغد هلوچین‌کُند، از ترسیم نیم‌بیضی به‌دست می‌آید که فاصله نقاط کانونی آن ½ دهانه است (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۱۳).

۳- در محراب این مسجد، سنگی نصب شده که متضمن عبارت شهادتین و دو بیت شعر است. خادم‌زاده نیز، به آن اشاره کرده است (خادم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۷):

برفت از جهان خواجه قاسم علی      چو خلق حسن داشت تاریخ او  
روان به گـلزار جنت نهاد      حسین شهیدش به او یاد باد

خادم‌زاده، به تاریخ ساخت مسجد در این قسمت اشاره‌ای نکرده است. اگر تاریخ سنگ

منسوب در محراب را با زمان ساخت مسجد متقارن بدانیم، می‌توان به تاریخ ساخت مسجد پی‌برد. در مصرع دوم بیت اول، کاتب با اشاره به ماده‌ی تاریخ، سال وفات صاحب سنگ، «خواجه قاسم علی»، را تضمین کرده است؛ «خلق حسن» در حروف ابجد متناظر با عدد و سال ۸۴۸ هـ.ق. است که احتمالاً این سده، زمان ساخت مسجد نیز بوده است. همچنین در تاریخ اتمام مسجد سهل بن علی با استناد به کتیبه‌ی بالای درگاه ورودی، سال ۱۲۸۸ هـ.ق. گفته شده است (همان: ۱۹۱). در همین کتیبه، یک بیت شعر دیده می‌شود که در آن نیز، ماده‌ی تاریخ ساخت مسجد با چند سال اختلاف، آمده است:

خامه فکر حبیب از بهر تاریخش نوشت شد به یمن حاجی اسمعیل این مسجد تمام

مصرع دوم، ماده تاریخ ۱۲۹۳ هـ.ق. است که با سال عددی موجود در کتیبه پنج سال اختلاف دارد؛ اگرچه به روشنی عدد متن کتیبه سال اتمام مسجد را گفته است، آغاز و پایان ساخت مسجد در اختلاف عدد پنج در دو تاریخ گفته شده، دور از ذهن نیست.

۴- هیأت قدیم معتقد است که افلاک به‌صورت لایه‌های لطیفی بر روی هم و به‌دور زمین پیچیده شده است. پس از کره‌ی هوا و کره‌ی آتش به ترتیب: فلک قمر، فلک عطارد، فلک زهره، فلک شمس، فلک مریخ، فلک زحل، فلک مشتری، فلک ثوابت، فلک اطلس یا فلک الافلاک قرار گرفته است (کرمانی، ۱۳۶۶: ۳۶۲). مساجد نه‌گنبدان به‌سبب برآمدن نه‌گنبد از نمای بیرونی، ماهیتاً تکثر و تعدد را تداعی می‌کند و درعین حال، هر گنبد صورتی چمیده یا کمانی دارد. «وجه شبهات» عدیده‌ی این الگوی معماری با تصورات قدما، به‌ویژه در مقایسه عدد نه و شکل منحنی گنبدها با پوسته‌های پیازی و مدور افلاک، راهیابی آن‌را در هیأت استعاره‌های ادبی به دیوان شعرا و آرای عرفا تسهیل بخشید. به این ترتیب، تعابیری، چون: «نه‌گنبد»، «نه‌طارم»، «نه‌طاق»، «نه‌رواق»، «نه‌قصر»، «نه‌کاخ»، «نه‌حجره»، «نه‌مقرنس»، «نه‌خرگاه»، «نه‌خیمه» و... به تمثیلی از طبقات نه‌گانه افلاک تبدیل شد:

کسی کز همت عالی طراز آستین سازد / کشد دامان عزت را بدین نه طارم مینا  
(منصور حلاج، ۱۳۸۰: ۱۴)

نه طاق بلند پر ز آشوب / با هشت چمن به هم فرو کوب  
(انوری، ۱۳۸۱: ۸۰۵۹)

بیان کن حال و جایش را اگر دانی، مرا، ورنی / میوی اندر ره حکمت به تقلید از سر عمیا  
چو نه‌گنبد همی گوئی به برهان و قیاس، آخر / چه گوئی چیست از بیرون این نه‌گنبد خضرا؟  
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۲۸)

۵- «...تا سنه‌ی هزار و پنجاه و هفت هـ.ق. که زمستانی صعب شده برف عظیم باریدن گرفت، چنان‌چه قرب سه ماه در کوچه‌ها برف مانده بود و جمیع بازارها و اکثر خانه‌ها منهدم و خراب گردید و تمامی سروها [ی] شهر و ولایت خصوصاً سروهای باغ مذکور [اهرستان] خشک شد.» (مستوفی‌بافقی، ۱۳۸۵: ۱۳۳، ج ۱).

## کتابنامه

- افشار، ایرج، ۱۳۷۴، یادگارهای یزد: معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی، تهران؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- انوری ابیوردی، ۱۳۷۶، محمد بن محمد، «دیوان انوری»، به کوشش: محمد تقی مدرس رضوی، تهران؛ شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

- انیسی، علیرضا، ۱۳۸۹، «مسجد جامع فهرج: ارزیابی مجدد»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۲۲-۱۵.
- پوپ، آرتور، ۱۳۸۸، معماری ایران، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، تهران؛ نشر اختران.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۳، «چفدها و تاق‌ها»، گردآورنده: زهره بزرگمهری، مجله اثر، شماره ۲۴، پاییز، تهران.
- پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۹۲، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران؛ سروش دانش.
- حلاج، حسین بن منصور، ۱۳۸۰، دیوان منصور حلاج با شرح مبسوطی درباره مکتب عشق الهی، تحقیق از: داود شیرازی، تهران؛ سنایی.
- خادم‌زاده، محمدحسن، ۱۳۸۴، «مساجد تاریخی شهر یزد»، تهران؛ سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).
- زمرشیدی، حسین، ۱۳۸۹، گنبد و عناصر تاقی در ایران، تهران؛ نشر زمان.
- کرمانی، اوحدالدین، ۱۳۶۶، دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، گردآورنده: محمد ابراهیم باستانی پاریزی و احمد ابو محبوب، تهران؛ سروش (انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).
- گذار، آندره، یدا گذار و ماکسیم سیرو، ۱۳۶۵، آثار ایران، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، جلد ۱، مشهد؛ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی،
- مستوفی بافقی، محمدمفید، ۱۳۸۵، جامع مفیدی، به کوشش: ایرج افشار، جلد ۱، تهران؛ انتشارات اساطیر.
- ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین، ۱۳۸۶، دیوان اشعار، تصحیح: حاج میرنصرالله تقوی، تهران؛ انتشارات اساطیر.
- نیکزاد، ذات‌الله، ۱۳۸۵، مجموعه کهن مسجد جامع میبد، میبد شهری که هست، به کوشش: عیسی اسفنجاری کناری، جلد ۱، تهران؛ سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).

- Anisi, A., 2007, Early Islamic Architecture In Iran, (637- 1059), Ph.D. Thesis The University Of Edinburgh, Edinburgh, Unpublished.  
- <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx>



ary, probably in Zand and Qajar periods. The latter sanctuary is remarkably equal to nine fold dome mosques in plan and details. Here, the prayer niche considerably indicates early sanctuary front which is a traditional nine fold dome pattern in similar mosques since earliest Islamic periods. Concave structure of the prayer niche caused constructors needless to protect prayer niche (Maqsüreh). However, there is not good quality and durability in the material used in the structure; it never caused reduction in historic significance of the winter sanctuary. The mosque is one of the earliest mosques of the city which lived later as a small mosque by developing and flourishing the city that is used until modern times.

**Keywords:** Architecture, Islamic Early Period, Yazd, Sheikhiha Mosque, Historical Context.

PAZHOSHESH-HA-YE  
BASTANSHENASI IRAN  
Archaeological Researches of Iran  
Journal of Department of Archaeology  
Faculty of Art and Architecture  
Bu-Ali Sina University

---

## Sheikhiha Mosque, an Unknown Building in Yazd's Old Sharestan

---

**Asadollah Joudaki Azizi**

Ph.D. Candidate in Islamic Archaeology, Mazandaran University  
as1977joodakiazizi@gmail.com

**Seyyed Rasoul Mousavi Haji**

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

**Ashkan Shahbazi**

M.A in Architecture, University of Tehran

**Eshagh Rezazadeh**

Department of Art and Architecture, Mazandaran University

Received: 2014/10/22 - Accepted: 2014/12/06

### Abstract

In the historical district of Yazd, there are monuments on which little knowledge. Although some are registered as national heritage, but there no valuable study on them; among them is a mosque previously known as “Sheikhiha” and “Aghaieha” while presently is called “Sheikhiha”. This is located at “Vaght-o-Saat” district. Although important researchers and architects visited the city, Sheikhiha mosque is not known yet. Interiorized structure of the monument which is related to religious cult of Sheikhiha has no view from peripheral paths which seems it can be the main reason that the building remained unknown in architectural studies, therefore studies on the mosque can be undoubtedly useful in understanding original Iranian architecture. Present study concerns to achieve the history of the mosque construction. As a fundamental research, present study naturally and methodically is historic-descriptive. Required information collected bibliographically and from field surveys which analyzed and interpreted combining using “historic approach” comparatively. the results indicate that the earliest core of the mosque is a sanctuary dates to 3<sup>rd</sup> and 4<sup>th</sup> A.H. centuries. Present heterogeneity of roofing of the sanctuary to earliest structure, next to an inscription dated to 10th AH century, indicates that it expanded at later periods especially in Safavid era, and gradually “lancet archs” replaced “round archs” with pillars. Its’ general plan can be compared to Fahraj-e Jami and ancient part of Meybod-e Jami from early Islamic centuries. A sanctuary with length of two to five openings and similar width to latter mosques imply their construction in the same historic horizon; finally it expanded with an internalized nine fold dome as winter sanctu-